

اسطوره بارت

این مقاله قسمتی از کتاب نشانه‌شناسی اثر خانم دکتر امیلیانر سیسیاناس است که به زودی از سوی پژوهشکده مردم‌شناسی و نشر افکار به چاپ خواهد رسید.

صورت گیرد ولی به هر حال می‌توان آنها را به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

دستور اول نظام معنایی: که در آن نشانه صریح و بدیهی به نظر می‌رسد سطحی است که معنی جنبه خود کفا دارد (نشانه در درون خودش آنچه را که باید به عنوان نشانه داشته باشد دارد، به اصطلاح از کوزه آن تراود که در اوست) و در این سطح نشانه بدیهی و صریح یا Denotation حضور دارد.

دستور دوم نظام معنایی: نشانگر ارزش‌های بیانی و اظهار کردنی هستند که از سطح قبلی نشأت می‌گیرد در این سطح توارد ذهنی یا Connotation وجود دارد.

دستور سوم نظام معنایی: (دستور ایدئولوژیک یا اساطیری) معنی که نشانگر درک عام از متغیرهای فرهنگی است که از نقطه نظر خاصی ارائه می‌شود. مثل عقاید غالب و حاکمی که در مورد خیلی از پدیده‌ها در جامعه موجود است از قبیل نقطه نظرهایی که در مورد ویژگی‌های مرد، برای مردانگی، ویژگی‌های خاص زن برای زنانگی،

همچنین آنچه به صورت عام در مورد آزادی عقاید گفته می‌شود و یا ارزیابی‌های رایج در مورد اقوام و ملیت‌ها از جمله آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در مورد خودشان و یا عقاید قالبی ما در مورد آنها و غیره.

به عنوان مثال عکس هنرپیشه معروفی را در نظر بگیریم مثل مرلین مونرو در سطح نشانه صحیح Denotation عکس نشانگر یک هنرپیشه معروف است.

در سطح توارد ذهنی Connotation اگر عکس مذکور از دوره جوانی او باشد. نشانگر جذابیت، شکوه زیبایی و زنانگی است. ولی اگر عکس از دوره میانسالی او باشد، تداعی گر افسردگی، اعتیاد و مرگ زودرس او خواهد بود.

در سطح اسطوره‌ای ما باید آگاه به اسطوره‌ای که در هالیوود هست باشیم. هالیوود، به مثابه یک کارخانه رویایی که قادر به تولید دلبرکانی جادویی به صورت ستارگان سینماست و همچنین هالیوود که می‌تواند نقش ماشینی را داشته باشد که بنابر مقتضیات و شرایط اقتصادی و میزان تقاضای مشتریان خود محصولات و فرآورده‌های خود را متلاشی می‌کند، از بین ببرد و از اوج به سقوط بکشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. زنان سالیان سال است که همواره متهم به تفکر عاطفی می‌شوند در حالی که امروزه این برخورد منفی نسبت به تفکر عاطفی سریعاً در حال از بین رفتن است.
۲. قبول فرضیه مانند نژاد و متعاقباً حرکات نژاد پرستانه.

تا به حال متوجه دسته‌بندی سطوح نشانه از نقطه نظر بارت شدیم که دستور اول اختصاص به علامت تفکیک برای ایجاد مفهوم یا denotation و دستور دوم اختصاص به توارد ذهنی یا Connotation داشت. رولان بارت به دستور سوم نیز تحت عنوان دستور سوم نظم معنایی یا third order of signifying system اشاره می‌دارد که در آن اسطوره یا ایدئولوژی وارد ترکیب نشانه می‌شود و جایگاه آن بیشتر در مفهوم توارد ذهنی یا Connotation است علامت تفکیک یا Denotation. اساطیر فرهنگی یا Cultural myths به نحوی از ادراک مشترک عوامل فرهنگی اطلاق می‌شود. از نظر تونی تاوایتس Tony Tnwaites نشانه‌ها و کدها، توسط «اسطوره فرهنگی» ساخته و بازسازی می‌شود. همین اساطیر باعث می‌شوند که ایدئولوژی به مثابه چیزی طبیعی به نظر برسد به عبارتی دیگر به پدیده‌های فرهنگی نمودی طبیعی می‌دهد فیسک Fisk هم معتقد است که اساطیری از این دست فرهنگ مشترک، ارزش‌های تاریخی، نقطه نظرها و اعتقاداتی را به وجد می‌آورند که به نظر می‌رسد آنها طبیعی natural عادی normal، خود بخودی، بدیهی و حتی حقیقی هستند.

به عنوان نمونه می‌توان اشاره به نشانه‌هایی کرد که مربوط به گروه اجتماعی ضعیف‌تر می‌باشد (مثل زنان)^۱ که این نوع نشانه‌ها هم دارای معنی صریح یا Denotative و منفی و هم معنی تواردی یا Connotative و منفی در یک زمان خاص است، چون احتمالاً در زمانی خاص طرز نگرش غالب نسبت به این گروه منفی بوده ولی همین نگرش منفی نسبت به آنها در زمانی دیگر کاملاً عوض حتی برعکس شده است.

مثال دیگر، در زمانی نه چندان دور اعتقاد مردم بر آن بود که فرزندان طبقات کارگر و کشاورز قادر به پیشرفت‌های اجتماعی نیستند ولی عملاً امروزه ثابت شده است که این عقیده چقدر اشتباه بوده است.

و نمونه‌ی دیگر اینکه در بخش خبری تلویزیون بریتانیا این جمله اسطوره‌ای Mythical که «همه ما طرفدار تعدیل هستیم» هر روزه مخابره می‌شود. تحت لوای این جمله‌ی اسطوره‌ای، دارندگان قدرت آنچه را که می‌خواهند بی‌سر و صدا انجام می‌دهند. (فیسک ۱۹۹۲ و ۱۹۸۹).

تأثیر افراطی این نوع اسطوره‌ها یا Myth این است که نشانه‌ها و علامت موجود در متن کار را پنهان می‌کنند نمود نشانه‌های صریح یا Denotation آن چنان طبیعی به نظر می‌رسد که پنداری علائم موجود در آن بخودی خود چیزهای واقعی و ازلی هستند.

اسطوره قادر است که نشانه‌های اجتماعی را تبدیل به واقعیت‌های اجتماعی بکند.^۲ باید توجه داشت مرزهای سه دستور معنایی ارائه شده توسط بارت، همواره مشخص، معلوم و قابل تفکیک نیست و گاه لازم است که تعاملاتی بین آنها

اساطیر فرهنگی به نحوی از ادراک مشترک عوامل فرهنگی اطلاق می‌شود و همین اساطیر باعث می‌شوند که ایدئولوژی به مثابه چیزی طبیعی به نظر برسد